

## روش‌شناسی اخلاقی تشریح و اجرای حدود در اسلام

محمدرضا قضائی / دانشجوی دکتری مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون پردیس فلرایی دانشگاه تهران

m.r.ghazaie313@gmail.com

mo.mohammadi@ut.ac.ir

مسلم محمدی / دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲

### چکیده

اسلام در مواجهه با برخی جرائم، راه‌هایی را در نظر گرفته که یکی از آنها، قوانین کیفری است. این قوانین، بر پایه تربیت افراد و اجتماع صورت می‌گیرد و دارای مراحل متعددی است. از جمله آنها، گذراندن مقدماتی است که در مقام قانون‌گذاری باید طی شود. پس از این مقدمات، نوبت به اجرای حدود می‌رسد که دارای الزامات اخلاقی مخصوص به خود است. این پژوهش، تلاش می‌کند تا با تحلیل روش اسلام در معرفی و چگونگی طی مقدمات تربیتی و پس از آن، تشریح حدود، الگویی مناسب از روش قانون‌گذاری ارائه کرده، با روش‌شناسی اجرای حدود در اسلام، بایسته‌های اخلاقی انجام حدود را تشریح و تحلیل کند. نتایج به‌دست‌آمده در اصل پیشگیری، درمان، تربیت تدریجی در مرحله تشریح حدود، از طریق آگاهی به انسان‌ها مناسب است. همچنین، اصل تربیت، توجه به حقوق و شرایط مجرم و بخشش اسلامی، در مرحله قانون‌گذاری اسلامی و اجرای حدود، از دیگر نتایج آن به‌شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** روش‌شناسی اخلاقی، تربیت اسلامی، تربیت تدریجی، تشریح حدود، اجرای حدود.

اخلاق، به عنوان یک علم از سه علم کلان اسلامی در سخن رسول خدا ﷺ است که فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲). پس همان گونه که ایشان خود پیش از رسالت، حرکت خویش را با اخلاق شروع نمود و در مکه با رسالت خود عقائد را مطرح و در مدینه احکام را ابلاغ نمود، لازم است تا به دانش اخلاق در کنار سایر دانش های دینی توجه بیشتری شود؛ چراکه به تعبیر استاد مصباح یزدی، اگر اسلام را به درختی تشبیه کنیم، ریشه آن عقائد، تنه آن اخلاق و شاخه و برگ آن را فقه تشکیل می دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۲). از این رو، غفلت از اخلاق و تمرکز بر فقه، نه تنها حالت دافعه ایجاد می کند، بلکه چه بسا موجب می شود جنبه های رحمانی و اخلاقی دین، مغفول واقع شود.

به این نکته باید توجه داشت که از قرن چهارم هجری که مدرسه فقهی توسط شیخ طوسی در نجف بنیان نهاده شد، عملاً بیشتر تمرکز و توجه علما بر منجزیت و معذرت احکام قرار گرفت و کمتر محققان اسلامی در مباحث فقهی، به آیات و روایات توجه نمودند و جایگاه اخلاق را همانند فقه از منظر اسلام تبیین نمودند. تحلیل روش اسلام در تربیت افراد و جامعه، هنگام تشریح حدود و اجرای آنها، یکی از اموری است که به شناخت بایدها و نبایدهای اخلاقی و تربیتی، از نگاه اسلام کمک می کند. چگونگی قانون گذاری در اسلام و شناخت سبک مواجهه با آسیب های اجتماعی برای ریشه کن کردن آنها و جعل کیفر برای مرتکبین آنها، از جمله اموری است که باید مورد توجه قرار گیرد. از دیگر امور مرتبط با این عرصه، تبیین مرحله آخر تربیت اسلامی که تریب و تعقیب بعضی از مجرمان است، می باشد و لازم است با رویکرد اخلاقی، احکام کیفری بازنگری شود. از این رو، تبیین ابعاد اخلاق دینی در حوزه احکام شرعی، بیانگر ابعاد نظری اخلاق است که راه های آراستگی به فضائل و پیراستگی، از ردائل را به مسلمانان می آموزد و اجرای آنها در فضای اجرای قانون، در حوزه های گوناگون امانند اجرای حدود، به گسترش و عملیاتی کردن اخلاق که همان اخلاق عملی باشد، می انجامد. این پژوهش، در همین زمینه نگاشته شده است. در این پژوهش، ابتدا روش شناسی اسلام در تشریح مرحله ای حدود، با اصل پیشگیری از ارتکاب جرم و درمان پس از آن، مورد بحث قرار گرفت و نشان می دهد روح حاکم در احکام حدود، جنبه تربیتی انسان است؛ اعم از کسانی که مجری حدود هستند و یا کسانی که حدود شرعی بر روی ایشان اجرا می شود.

## سامانه پژوهش

سؤال تحقیق این است که اسلام چه الگویی برای قانون گذاری در حوزه جرائم اجتماعی ارائه می کند؟ پیشینه ای که برای این موضوع وجود دارد، بیشتر ناظر به ارتباط فقه و اخلاق در سطح کلان است که گام های اندکی در این زمینه برداشته شده است. اما مسائل این دو علم، همچون رابطه حدود و اخلاق، از جمله مباحثی است که سابقه تحلیل اخلاقی در آن دیده نمی شود. روش تحقیق این مقاله، در مرحله اول جمع آوری آیات قرآن و روایات، به عنوان داده های اولیه است. در مرحله بعد، با پردازش و تحلیل نقلی - عقلی، به مراحل تربیتی اسلام در پیشگیری و درمان جرائم پرداخته شده است.

در این پژوهش، در دو قسمت کلی به طرح بحث روش‌شناسی تربیت در اسلام، هنگام تشریح حدود و اجرای آنها پرداخته شده است. در قسمت اول، مراحل مورد نظر اسلام برای ممانعت از ارتکاب جرائم و درمان خطاهای مطرح می‌شود و در قسمت دوم، نکاتی که در اجرای حدود باید رعایت شود، تبیین و تحلیل شده است.

## مفهوم‌شناسی

### تربیت

واژه «تربیت» با دو واژه «رب» و «ربو» در ارتباط است. این کلمه، می‌تواند از ریشه «ربو» به معنای زیادی و رشد باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۸۳). این معنا در تپه به خاطر بلندی، نفس زدن به خاطر برآمدن سینه و ربا، به جهت فزونی مال نیز وجود دارد (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۳). کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آنها بر وزن تفعله می‌شود مانند تربیه، تزکیه، تحلیه (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱). همچنین، می‌تواند از «رب» به معنای مالکیت، حضانت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸ ص ۲۵۶)، قیام بر انجام کاری (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰ ص ۲۱۱) و اصلاح شیء باشد (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۱).

*راغب‌اصفهانی* در *مفردات*، قولی را بیان کرده که اصل کلمه «ربو» از «رب» است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۰). او در بیان معنای «رب»، این‌گونه آورده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ، وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (همان، ص ۳۳۶). کلام *راغب‌اصفهانی*، تدریجی بودن تربیت را نیز می‌رساند.

تعریف اصطلاحی «تربیت»، به جهت تفاوت مبانی گروه‌های مختلف در انسان‌شناسی و جهان‌شناسی، متعدد می‌باشد (رحیمی، ۱۳۸۵). اندیشمندان اسلامی، برای تربیت تعاریفی بیان کرده‌اند. *فارابی*، در تعریف تربیت می‌نویسد: «تعلیم و تربیت عبارت است از: هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم، برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت» (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۷۴-۴۶۱). ایشان تربیت را مایه نیل به سعادت می‌داند.

*ابن‌سینا*، در تعریف تربیت می‌نویسد: «تعلیم و تربیت عبارت است از: برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شؤون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی» (همان، ص ۳۸۴).

شهید مطهری، تربیت را همان «پرورش دادن» می‌داند؛ یعنی استعدادهای درونی یک شیء را به فعلیت در آوردن و پرورش دادن آنها (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۵۵۱). به همین دلیل، تربیت در مورد غیرجاندار، مجازاً به کار می‌رود؛ چون فاقد استعداد برای پرورش و تربیت است. استاد مصباح‌زیدی نیز تعریفی نزدیک به همین ارائه می‌کند (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸).

با توجه به معنای لغوی «تربیت»، می‌توان گفت: تربیت در اصطلاح، همان رشد استعدادهای نهاده شده خدادادی در موجوداتی است که قابلیت تربیت دارند، البته در هر مرحله‌ای باید با روش‌های مختلفی با متربی برخورد

نمود. گاهی با تشویق و گاهی با تهریب و موارد دیگری، که در جای خود مطرح شده است (زرسازان، بی‌تا، ص ۴). این تعریف، چون مطابقت بیشتری با معنای لغوی دارد، دارای رجحان است.

این مقاله به دنبال مطلبی فراتر از معنای لغوی و یا اصطلاحی از منظر برخی دانشمندان است، بلکه باید تربیت در کنار مفاهیم دیگری همچون، تأدیب، هدایت، رشد، اصلاح، تزکیه، تطهیر، تنشئه و تهذیب دیده شود، تا در تعریف اصطلاحی، شامل معنای این واژگان شود (همت‌بناری، ۱۳۸۵). بنابراین، تربیت به فعلیت درآوردن استعدادها قابل پرورش، از طریق روش‌ها و مراحل تربیتی است. این روش‌ها، همان‌طور که اشاره شد، در کنار تأدیب، هدایت، رشد و مفاهیم نزدیک به آن و با مراحل خاص هر مکتب تربیتی، اعم از اسلامی و غیره می‌باشد. ناگفته پیداست وقتی سخن از تشریح و اجراء به میان آید، جنبه تربیتی و مرحله‌ای بودن آن، بیشتر خواهد بود و رویکرد اخلاقی این تحقیق را به مباحث تربیتی پررنگ‌تر کرده، از بحث مفهومی حول واژه «اخلاق» بی‌نیاز می‌کند.

### حدود

«الحد» به معنای فصل بین دو شیء است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۹). فصل بین دو شیء که مانع از اختلاط آنها می‌شود. واژه «حدود» جمع حد است، و اگر در موارد دیگر به کار رفته است، بازگشت آنها به همین معنی است. در قرآن نیز واژه «حدود» نیز به این اعتبار که اوامر الهی واجب بوده و نباید از آنها تجاوز کرد، استعمال شده است: «تَلْكَ حُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا» (بقره: ۱۸۷؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۰). در رابطه با سارق، زانی و... تعبیر به حد شده است؛ چون مانع از بازگشت شخص به گناه و ارتکاب سایر افراد به جنایات است (جوهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۲). بنابراین، در معنای لغوی، حد فاصله و ممانعت وجود دارد.

در اصطلاح فقهی، «هر عقوبت که مقدارش مشخص باشد، «حد» و اگر مقدار آن مشخص نبود، «تعزیر» نامیده می‌شود. شش چیز موجب حد می‌شود: زنا و مانند آن، قذف، شرب‌خمر، سرقت و قطع‌الطریق (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۳۶). بعضی دیگر از فقها گفته‌اند: «عقوبت خاصی که به آزردن بدن تعلق می‌گیرد و علت آن، انجام معصیت خاصی است که مکلف انجام داده است و مقدار عقوبت را شارع مشخص می‌کند» (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۷). بنابراین، حد نوعی کیفر دنیایی است که توسط خدای متعال برای متخلفان، بعضی از قوانین اسلامی اعمال شود که غالباً در قرآن و مقدار کمی در روایات ذکر شده است.

### تشریح کیفر و روش اجرای آن

شناخت صحیح از روش اسلام، در تشریح و قانون‌گذاری یکی از مراحل است که به متولیان فرهنگی و قانون‌گذاری جامعه کمک می‌کند تا از این اسلوب، در امور خود بهره ببرند. اکتفا به این جنبه، ممکن است در مقام اجرا با ابهاماتی مواجه باشد که با مراجعه به آیات و روایات، خلل موجود این بُعد نیز مرتفع می‌شود. بنابراین، لازم است فهم صحیحی از روش اسلام در قانون‌گذاری کیفرهای شرعی، حدود داشت و پس از آن، به روش اجرای آن از نگاه اسلام مراجعه کرده و الزامات اخلاقی آن تبیین شود.

## روش‌شناسی تشریح حدود

توجه به چگونگی قانون‌گذاری در اسلام، بخصوص قوانین کیفری و به‌ویژه حدود، می‌تواند سرمشقی در سبک قانون‌گذاری برای کسانی باشد که در کسوت قانون‌گذاری جامعه هستند. این بحث، در دو قسمت راهکارهای پیشگیرانه و درمان‌گرایانه مطرح می‌شود:

### راهکارهای پیشگیرانه

اسلام برای قانون‌گذاری در کیفر، ابتدا مراحل مقدماتی را طی کرده تا حد امکان از ارتکاب جرم توسط افراد جامعه پیشگیری شود که در دو مرحله کلی قابل تقسیم است. راهکارهای پیشگیرانه فردی و اجتماعی که به تفصیل مطرح می‌شود.

### راهکارهای پیشگیرانه فردی

منظور از «راهکارهای پیشگیرانه فردی»، آن دسته از اموری است که به فرد فرد جامعه تعلق می‌گیرد و فارغ از چگونگی اجتماع، در او آگاهی ایجاد کرده و به فکر فرو ببرد و نوعی خودکنترلی ایجاد کند و به این طریق، از ارتکاب جرائم باز دارد.

### معرفت‌افزایی نظری و عملی

این بحث با آنچه در راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی، تحت عنوان «هدایت جامعه از طریق آگاهی» خواهد آمد، به نحو صغری و کبری ارتباط دارد. صغرای قضیه، این است که یکی از راه‌هایی که اسلام برای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط افراد در پیش گرفته است، هدایت افراد در دو بُعد نظر (اندیشه و عزم) و عمل (انگیزه و جزم) است.

قرآن کریم از یک سو، در قسمت اندیشه، مخاطب را به قبح گناهان آگاه می‌سازد. وقتی انسان‌ها از حکمت کیفر و عقوبت شرعی آگاه گردند و بدانند که قبح عمل در چه میزان است، خودبه‌خود از ارتکاب آن عمل پرهیز خواهند کرد؛ چرا که تفکر همراه با آگاهی از عوامل اصلاح و تربیت به‌شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۳۸۶). آگاهی دادن از نگاه فقه، جنبه اتمام حجت و یا تنجز تکلیف را به دنبال دارد، اما در اخلاق به‌عنوان ابزاری در جهت تکامل درونی و بیرونی مد نظر است. اسلام با عنایت به همه این موارد، حکمی را جعل می‌کند.

از سوی دیگر، به قسمت انگیزه که در مرحله بعد از نظر قرار دارد، توجه کرده و هر دو را کنار هم برای هدایت انسان‌ها به کار می‌بندد. به همین دلیل، یکی از ضرورت‌های تربیت، توجه دادن مخاطب به حکمت کیفر سپس پند و اندرز است (نادری، ۱۳۸۳) که در قرآن به وفور یافت می‌شود؛ زیرا قرآن کتاب علمی صرف نیست، بلکه تعلیم و تربیت را در کنار هم به پیش می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۳۴۴) و در کنار معرفت‌افزایی، به تربیت و تأثیر در مخاطب نظر دارد.

پند و اندرز، به‌عنوان یک اصل مهم تربیتی در اخلاق عملی، برای مربیان جامعه در نظر گرفته شد که جنبه یادگیری و یادآوری را در مرتبه تقویت می‌کند (مصباح‌الهدی، ۱۳۸۸).

در میان حدود شرعی نیز به‌عنوان اصل پیشگیری و معرفت‌افزایی، این مسئله مطرح است که تبیین چند مورد از آنها، به اثبات ادعا کمک می‌کند:

الف. «زنا، عامل قطع نسل و دیگر مفسد»

خداوند در آیه ۲۹ سوره عنکبوت، به مفسده این عمل اشاره کرده، می‌فرماید: «أَإِنكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّيْلَ»؛ که طبق نظر بسیاری از مفسران «تَقْطَعُونَ السَّيْلَ» به اختلال نطفه و قطع نسل تفسیر شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۸۷؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۶۲؛ مشهدی‌قمی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۳۹). تنبه به ردیلت اخلاقی بودن اختلال نطفه و درک قبح آن، به وجدان درونی انسان‌ها و نه به صرف یک دستور شرعی، از ظرافت‌های آیه است. میزان قبح را در آیه شریفه، وجدان سالم آدمی در نظر گرفته و اختلال نطفه‌ها را به‌عنوان یک مصداق از مفسد بیان می‌کند. این پیشگیری، از طریق یادآوری به قضاوت فطرت در قبح این عمل صورت گرفته و سخنی از حرمت فقهی آن مطرح نشده است.

این تصریح به زنا، افزون بر تمام آیاتی است که به صورت ضمنی، به فاصله گرفتن از این گناه و ارزش پاکدامنی اشاره داشته، یکی از صفات مؤمنان را پاکدامنی می‌شمارد (مؤمنون: ۵، ۶ و ۷) و محرومیت‌هایی را برای زنان فاحشه جعل نموده است (فرقان: ۶۸).

ب. «شرب‌خمر باعث ضرر و رزق سنیّه»

در رابطه با شرب‌خمر، افزون بر اینکه می‌فرماید: منافعی برای مردم دارد، اما ضرر آن را بیشتر می‌داند: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹) و خمر را در مقابل رزق حسنه قرار می‌دهد: «تَتَخَذُونَ مِنْهُ سَكْرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا» (نحل: ۶۷). در جای دیگر، از نزدیکی به نماز در حالت مستی نهی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء: ۴۳) تا بدون صراحت، مضرات خمر را به مخاطب تفهیم نماید.

ج. «حرمت آبروی انسانی و نفی اشاعه فحشاء»

آیات متعددی از قرآن، به جایگاه آبروی افراد اشاره کرده است که این اهمیت در قالب بحث از غیبت (حجرات: ۱۲؛ نساء: ۱۴۷؛ همزه: ۱)، تهمت (نساء: ۱۱۲؛ نور: ۲۳)، استهزاء (حجرات: ۱۱؛ توبه: ۶۵ و ۶۶) و غیره مطرح شده است. اسلام، از هرگونه اشاعه فحشایی نهی کرده و هتک آبروی دیگری، یکی از مصادیق آن به‌شمار می‌رود که هم تحت قانون کلی و هم به طور خاص، از آن نهی شده است (نور: ۱۹). یکی از این موارد، در تشریح حد قذف آشکار می‌شود. وقتی شخصی به دیگری تهمت ارتکاب زنا بزند و نتواند ادعای خود را ثابت کند، باید حد بخورد. اما اجرای حد، در قسمت هدایت و تعلیم اجتماعی قرار می‌گیرد که توضیح آن خواهد آمد و پیش از آن، تمام مراحل هدایت فردی باید طی شود.

اگر مناط قبح قذف را حریم افراد جامعه و یا شاعت نسبت، این‌گونه اعمال بدانیم، این مناط در غیرمسلمان نیز وجود دارد. آنها با تبعیت از دین خود و احترام اسلام به این قوانین، دارای احترام خواهند بود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۷۲) و این حریم موجب منع حرمت قذف به ایشان شده است. ردیله بودن نسبت این عمل شنیع نیز علی‌حده و مناط مستقلی است که مانع ارتکاب این عمل می‌شود.

#### د. سرقت مصداقی از ظلم

در آیه‌ای که به بیان حد سرقت می‌پردازد، در توجه به حکمت کیفر به این نکته اشاره می‌فرماید: این حد به دلیل جرم ایشان است (جَزَاءٌ بِمَا كَسَبَا نَكَالاً) و این عمل ایشان ظلم است: «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ». با این تعابیر، جامعه متوجه می‌شود که قرار دادن عقوبت دنیایی برای دزد به خاطر جرم و مفسده‌های است که عمل او به بار آورده است. از این رو، به پذیرش این حکم و همچنین، حکمت آن اقبال بیشتری نشان داده، به پیشگیری از ارتکاب جرم کمک می‌کند.

در همه این موارد، فقط به جنبه فردی هدایت که در مرحله نظری و عملی نمایان است، اشاره شد که قرآن ابتدا افراد را هدایت نموده و سپس، به جعل قوانین اجتماعی و حدود پرداخته است.

#### دشواری اثبات اتهام تا جرم

یکی دیگر از راه‌هایی که اسلام برای پیشگیری از ارتکاب جرائم حدآور پیش گرفته است، قرار دادن شرایط سخت برای اثبات جرم می‌باشد. ممکن است هر انسانی متهم به ارتکاب جرمی باشد، اما آنچه در اسلام مهم است، اثبات این اتهام است که آن هم دارای شرایطی است که به راحتی محقق نمی‌شود. ابتدا ممکن است تصور شود که شرایط سخت برای اثبات جرم، به مجرمان این اطمینان را می‌دهد که با ترس کمتر به ارتکاب جرم دست بزنند، اما حقیقت این است که هدف از قانون حد، تربیت مجرمان است؛ همین که انسان‌ها بدانند خداوند این شرایط را جلوی راه ثبوت حد گذاشته تا کمتر کسی به این مرحله برسد، بلکه پیش از اثبات جرم رو به توبه آورد، می‌تواند دارای اثر تربیتی باشد.

در ثبوت حد زنا، شهادت چهار شاهد قرار داده شده است که ایشان باید شرایط لازم را داشته باشند و به صرف انجام این عمل، حد ثابت نمی‌شود، بلکه متوقف بر شهادت ایشان می‌باشد. توجه به این نکته نیز لازم است که برای تطبیق واژه «سارق» نیز باید به روایات و مباحث فقهی مراجعه کرد. صرف یک خیانت در امانت، یا برداشتن پول رهن توسط راهن، برداشتن پول مستأجر توسط اجیر و سایر موارد نظیر آن، از مصادیق سرقت منجر به اجرای حد نمی‌شود. از سوی دیگر، مال مسروق نیز باید دارای شرایط خاص خود باشد که در کتب روایی و فقهی بیان شده است: هر سرقتی منجر به ثبوت حد شرعی نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ابواب حد السرقة).

در صورتی که همه آن شرایط محقق شد و بنا بر اجرای حد شرعی، بر روی مجرم مستقر شد، ابتدا فقط باید چهار انگشت او قطع شود و ید در این آیه شریفه، طبق قرائنی که در آیات و روایات وجود دارد، فقط شامل چهار انگشت می‌شود؛ نه همه دست او (همان، ص ۲۵۱).

این شرایط سخت، می‌تواند مخاطب را به رحمت و لطف خداوندی توجه داده و نسبت به ارتکاب جرم پشیمان کند و بداند که خدای متعال، اراده کرده است تا انسان‌ها با اختیار خود در مسیر بندگی سیر کنند و تا حد امکان، نوبت به کیفر دنیوی نرسد.

#### راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی

این دسته از راهکارها در دو قسمت کلی تقسیم می‌شود، برای جلوگیری از جرائم در سطح اجتماع است که با روش‌های خود تلاش دارد تا افراد جامعه کمتر دچار جرایم و از کیفر آنها مصون باشند.

## ۱-۲-۱. آگاهی‌بخشی عمومی

پس از آنکه همه افراد نسبت به قبح گناهان آگاه شدند، باید بدانند که در عرصه اجتماع نیز با مرتکبین این اعمال، برخورد می‌شود و به موعظه بسنده نمی‌شود، بلکه باید با بیان کیفر شرعی و عاقبت دنیوی و اخروی این گناهان، از ارتکاب گناهان پیشگیری کرد. در بحث عفت عمومی و مسئله زنا، پس از گذراندن تمام آن مراحل که اشاره شد، به بیان حکم آن و حد شرعی آن در آیه ۲ سوره نور و صد ضربه شلاق می‌پردازد. در رابطه با حرمت آبروی دیگران، در آیه ۴ همان سوره به حد قذف اشاره می‌کند: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۴). قاذف در صورتی می‌تواند این نسبت را به دیگری بدهد که بتواند چهار شاهد با شرایطی که در کتب فقهی مطرح شده است، اقامه کند (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱۴) و صرف عریان بودن... حد زنا را ثابت نمی‌کند (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳). در غیر این صورت، باید هشتاد ضربه شلاق بخورد؛ زیرا بدون دلیل موجب هتک آبروی دیگری شده است. در رابطه با محارب نیز همین مباحث مطرح است. به همین دلیل، در روایات اسلامی ترک حدود جایز شمرده نشده و برکات زیادی برای اجرای آن گفته شده است. امام محمدباقر علیه السلام فرمودند: «حد که در زمین اقامه می‌شود، پاکتر است برای زمین تا بارش چهل شبانه روز باران» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۷۴). در بعضی روایات نیز واژه‌هایی نظیر «خیر» و یا «نفع» آمده است. تبیین و تشریح این حدود، جدا از بحث آگاهی جامعه و پیشگیری از ارتکاب آن، و همچنین به جنبه قبح این افعال و اینکه احکام تابع مصالح و مفاسد هستند، تبه می‌دهد و موجب هدایت و تربیت جامعه است.

## آماده‌سازی تدریجی جامعه

توجه به یکی دیگر از روش‌های تربیتی اسلام، هنگام تشریح حدود می‌تواند الگویی برای متولیان فرهنگی، قانون‌گذاری و کیفری جامعه باشد. یکی از ارکان تربیت، توجه به اصل تربیت تدریجی است (نادری، ۱۳۸۳). گرچه مراحل و روش‌های قبل نیز در قالب یک بحث کلان تربیت تدریجی گنجانده می‌شود و هدایت نیز مرحله‌ای از تربیت تدریجی به‌شمار می‌رود، اما تصریح به هر آسیب، توجه بیشتر اسلام را به آن مفسده می‌رساند. بی‌شک در مراحل تربیت، مرحله‌ای برای برخورد شدیدتر با مخاطب مدنظر گرفته شده است و مریبان جامعه به این مسئله اذعان دارند (حسینی، ۱۳۸۴)، اما این رفتار، پس از گذراندن مراحل است که به آن اشاره خواهد شد و توجه به اصل تربیت تدریجی در اسلام، به خوبی اعمال شده است.

در توضیح این مرحله، باید به حدود شرعی که در قرآن و روایات مطرح شده است، به صورت گذرا اشاره می‌شود تا مشخص شود که اسلام در سیر تربیت بشر مرحله‌ای را قرار داده تا از ارتکاب ایشان به جرائمی که منجر به کیفر جسمانی می‌شود، پیشگیری شود.

## الف. مراحل پنج‌گانه حد زنا

قرآن کریم با رعایت شرایط روحی جامعه و ضرورت تربیت تدریجی مخاطب به مبارزه با این مفسده فردی و

اجتماعی پرداخته است. توجه به این نکته اجتماعی نیز حائز اهمیت است که اسلام با هر مفسده به همان میزان که خطر ابتلائی جامعه به آن هست، به بحث در رابطه با آن پرداخته و در این میان، مفاسد جنسی در اولویت قرار دارند. با دقت در آیات قرآن درمی‌یابیم که اولین بار در آیه ۶۸ سوره فرقان که چهل دومین سوره است، نازل شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۹۴)، به کیفر اخروی زنا می‌پردازد و کیفر سخت را عاقبت کسانی می‌داند که از جمله جرائم آنان، زنا بوده است: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا». پس از آن، در سوره اسراء آیه ۳۲، واژه «زنا» به کار برده شده است: «وَ لَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا». سوره اسراء، پنجاهمین سوره مکی است. با توجه به فضای آلوده زمان نزول و روند قرآن در تربیت تدریجی جامعه، امکان تصریح به حرمت زنا و حد شرعی آن وجود نداشت. در آیه شریفه، به نزدیک نشدن به زنا و اینکه راه اشتباه و موجب قطع نسل است، تصریح می‌کند.

تمام این مراحل، باید سپری شود تا جامعه آن زمان قرآن، آمادگی پذیرش کیفر دنیایی زنا یا همان حد و کیفر جسمانی را پیدا کنند. به همین دلیل، در آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء، حد ابتدایی برای زانیه را بیان می‌فرماید: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوا فَاَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا». در این آیه ثبوت حد متوقف بر شهادت چهار نفر شده، نه نفس ارتکاب عمل (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۴). به همین دلیل، امکان توبه وجود داشته و پس از آن حد برداشته می‌شود. همچنین، در پایان این آیه به دائمی نبودن حکم اشاره شده است؛ چراکه ممکن است بازداشت خانگی سختی‌های غیرقابل تحملی را بر مجرم تحمیل کند.

افزون بر این روش‌ها، که نشان از تدریجی بودن تشریح حد زنا دارد، آیه ۲۵ همین سوره نیز گویای این نکته است؛ چراکه در مقام بیان حد زنا، زنان کنیز است که نصف زنان آزاد، باید حد بخورند. این مطلب، با توجه به اینکه هنوز کیفر شلاق تشریح نشده و فقط حبس یک سال در خانه بیان شده است و این حد، برای کنیزان مفهوم مشخصی ندارد، می‌توان گفت: گویای زمینه‌چینی برای بیان حد دائمی زنا به‌شمار آید. افزون بر این، اینکه برخلاف اکثر تفاسیر که به پنجاه ضربه شلاق تفسیر کرده‌اند، در روایات ذیل آیه ۲۵، سخنی از پنجاه ضربه شلاق بیان نشده که مطلب فوق را تأیید می‌کند.

پس از طی این مقدمات، در سال‌های متمادی و سوره‌های مختلف در آیه ۲ سوره نور، به تشریح حد دائمی زنا اشاره و می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». سوره نور در آیات ۲۱ تا ۳۳ به برخی احکام پیشگیرانه از انحرافات جنسی، مانند کنترل چشم، سفارش به ازدواج، مسئله پوشش زنان و همچنین، تأکید بر رعایت عفت اشاره دارد. همه این مقدمات، گویای این نکته تربیتی است که برای انسان‌هایی که به سنتی عادت ندارند، برای تربیت باید مراحل طی شود تا آمادگی آن به دست آید. به همین دلیل، این حکم زنا در سوره نور که صد و سومین سوره است، نازل شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۵؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۴۵۲) و شرایط را برای آمادگی مخاطبان فراهم می‌کند.

ب. مراحل چهارگانه حرمت شربخمر

آماده کردن جامعه و تربیت تدریجی، بیشتر در اموری خودنمایی می‌کند که جامعه به آن عمل اعتیاد داشته و ترک آن برایشان دشوار باشد. یکی از این عادات زشت، میگساری است که خدای متعال به تدریج آن را تحریم فرمود.

به‌طور کلی، چهار مرحله برای مبارزه با شربخمر در آیات قرآن وجود دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۹۴). مرحله اول، در سوره اعراف که سی و نهمین سوره قرآن و مکی است (بہجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲)، آیه ۳۲ به‌طور کلی هر عملی که مصادق اثم باشد، تحریم می‌شود: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَ الْأِثْمَ وَ الْبُغْيَ بَعْدَ الْحَقِّ». اسلام برای رعایت سهولت افراد، به تدریج تربیت می‌کند. همان‌گونه که در آیه ۶۰ سوره نحل که هفتادمین سوره و مکی است (همان، ص ۳۱۸)، خمر را در مقابل رزق نیکو قرار داد.

مرحله دوم، در سوره نساء که نود و دومین سوره و مدنی است، از میگساری در بهترین حالات؛ یعنی نماز نهی فرمود: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَىٰ» (نساء: ۴۳).

مرحله سوم، به این مطلب تصریح دارد که خمر، اثم است و در سوره بقره آمده است: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ، وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹). گرچه سوره بقره از حیث ترتیب نزول سوره‌ای، که آیه در آن قرار دارد، متأخر از سوره نساء است و در مرحله دوم بود، اما اعتبار عقلی و سیاق آیات نمی‌پذیرد که آیه سوره نساء پس از بقره نازل شده باشد؛ زیرا معنا ندارد پس از نهی از مطلق میگساری، مجدداً از بعضی موارد شربخمر (در نماز) نهی بفرماید. علاوه بر این، منافات با تربیت تدریجی که تکلیف از آسان به سخت است، می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۹۴). به همین دلیل، این آیه سوره بقره، پس از آیه سوره نساء نازل شده است.

مرحله چهارم، در سوره مائده که صد و سیزدهمین سوره قرآن است و طبق بعضی از نظرها، آخرین سوره قبل از توبه است، به تحریم شربخمر تصریح می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده: ۹۰ و ۹۱). توجه به این مراحل که اسلام در تشریح حدود قرار داده است، بهترین روش برای پیشگیری از ارتکاب جرم و پس از آن، اجرا حد بر روی مجرم است.

توجه به این نکته لازم است که گرچه این مراحل، در عصر نزول قرآن و با توجه به مخاطبان زمان نزول آیات انجام شده و انسان‌ها امروزه با مجموع این آیات مواجه هستند، اما باید دانست که هدف از تحلیل و تشریح این مراحل، این است که با تمسک به روش قرآن، بتوان از روش تربیت تدریجی بهره گرفت و آن را یکی از اصول قرآن برشمرد، تا در تبیین آن بتوان به اتهاماتی را که به قرآن وارد می‌شود، پاسخ داد. همچنین، با تحلیل این روش، این نکته تربیتی به دست می‌آید که در بیان دین، نه انفعال پیشنهاد می‌شود و نه تعصب، بلکه باید از روش‌های تربیتی و هنرمندانه، همه دین را اعلام و اجراء کرد.

۲-۱. راهکارهای درمان‌گرایانه

یکی از نکاتی که اسلام در تربیت انسان‌ها در پیش گرفته است، درمان یا همان توبه گناهکاران است. این امکان

برای مجرمان هست که هرگاه متنبه شدند، در مقام جبران خطاهای خود برآیند و خداوند در حدود نیز این راه را برای بندگان باز گذاشته است. به همین دلیل، یکی از مراحل تربیت انسان، امکان توبه و جبران خطاء شمرده شده است (نساجی زواره، ۱۳۸۵). در قرآن، به وفور به توبه و بازگشت توصیه شده است. تشویق به توبه یک از روش‌های تربیتی است که اسلام در بالاترین سطح، آن را ارائه کرده است (حسنی، ۱۳۸۴). بنابراین، انسان‌ها پیش از اثبات جرم و یا حتی پس از اثبات جرمشان، باید به درمان خود پرداخته و توبه کنند.

#### ۱-۲-۱. پیش از اثبات جرم

اسلام از هرگونه اظهار گناه حتی توسط شخص نادم اجتناب کرده، توصیه می‌کند که گناه خود را میان خود و خدای خود پاک سازید؛ حتی اگر جرمی مرتکب شده باشد که مستحق حد شرعی باشد. اما تا ثابت نشده است، کیفر بر او ثابت نیست. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که شخصی چهار مرتبه به عمل زناى خود اقرار کرد، حضرت به غلام خود دستور به محافظت از او (اجرای حد) دادند و سپس، غضبناک شدند و فرمودند:

چقدر زشت است مردی از شما که این اعمال فاحشه را انجام دهد و بعد ابروی خود را با اقرار در مقابل مردم ببرد. آیا نمی‌توانست در خانه خود توبه کند؟ به خدا سوگند که توبه او میان خود و خدایش با فضیلت‌تر است از اینکه من بر او اقامه حد کنم (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۶).

به عبارت دیگر، در این موارد که مجرم توبه می‌کند، هدف غایی که اصلاح فرد است، حاصل شده و ضرورتی بر اجرای کیفر نیست. به همین دلیل، اگر شخصی توبه کند و سپس جرم او ثابت شود، بر روی او حد شرعی اجراء نمی‌شود؛ چراکه هدف از جعل قوانین در اسلام، تعلیم و تربیت جامعه و افراد آن است نه عقوبت آنها.

قرآن کریم پس از بیان حد محارب نیز توصیه به توبه می‌کند. شدت کیفر، نشانه میزان قبح عمل انسان است. در حد محارب، خداوند می‌فرماید:

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند، یا به دار آویخته گردند و یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند (مائده: ۳۳).

این کیفر سخت در انتظار آنان است. با این حال، اگر پیش از اینکه او را دستگیر نمایند، توبه کند، حد از او برداشته می‌شود: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳۴).

در مواردی که مجرم، کارهایی کرده که چند حد شرعی بر او ثابت شده، با توبه قبل از اثبات جرم، همه آن حدود برداشته می‌شود. شخصی از امام معصوم علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که سرقت کرده یا شرب خمر و یا زنا کرده است؛ ولی کسی از این عمل او آگاه نشد و دستگیر هم نشد، تا اینکه توبه کرد و صالح شد. حضرت در پاسخ او فرمود: «زمانی که صالح شده و از او کارهای خوب سر زده، حد بر او اقامه نمی‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۷). هر یک از این جرائم مذکور در روایت، مستوجب حدود شرعی است. اما همین مقدار که مجرم از عمل خود پشیمان شده و نشان پشیمانی او که انجام اعمال صالحه است، کافی است در اینکه همه آن کیفرها از او برداشته شود.

از نگاه اسلام، حاکم جامعه تلاش می‌کند تا گناهکاران را به اصلاح رابطه خود و خدایشان سوق دهد و به دنبال مجرم و اجرای حد بر او نیست، بلکه حتی تلاش می‌کند در مواجهه با مجرمی که قصد اقرار به عمل زنا را دارد، موضوع سخن او را تغییر داده، از اقرار علنی باز دارد (اشعری، ۱۴۰۸، ۱۵۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۷). این روش تربیتی که برای درمان جامعه پیش گرفته شده است، در مورد شخص شارب‌الخمر (حرام‌عالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۷) و محارب نیز انجام می‌گیرد که اگر پیش از اثبات جرم، در محکمه قضائی توبه کند، حد شرعی از او برداشته می‌شود.

## ۲-۱. پس از اثبات جرم

تربیت باید از پالایش درون آغاز شود، تا ظهور بیرونی داشته باشد. ممکن است مجرم پس از اجرای حد از عمل خویش پشیمان شود. به همین دلیل، اسلام در همه مراحل که حدود شرعی را قانون‌گذاری می‌کند، پس از آن به کسانی که پشیمان شده‌اند، توصیه به بازگشت می‌کند. از آیات قرآن جدای از همه روایاتی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان به حد قذف اشاره کرد: «وَ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً... إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۴ و ۵). در سرقت نیز همین‌گونه است که پس از اعلام حد شرعی و کیفر دنیایی او، توصیه به توبه می‌کند: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا... فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۳۸ و ۳۹). اگر سارق پس از ظلمی که کرده، توبه کند و عملی انجام دهد که نشان از اصلاح او دارد، خداوند توبه او را پذیرفته، او را می‌بخشد. توجه به این آیات، اهتمام و هدف اسلام در اصلاح افراد و جامعه را نشان می‌دهد. به همین دلیل، گرچه جز در موارد خاص پس از اثبات جرم، حد شرعی برداشته نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۰۲)، اما امکان توبه حتی پس از اثبات جرم وجود دارد و نباید شخصی که در مقطعی از زمان جرمی انجام داده، برای همیشه از امتیاز صلاح و اصلاح محروم بماند. هدفی که اسلام در تشریح قوانین بخصوص کیفرهای جسمانی دنبال می‌کند، تعلیم و تهذیب انسان‌هاست. این هدف حتی اگر پس از اجرای کیفر به دست آید، امر مقبول و پسندیده است و خداوند آن را می‌پذیرد.

## روش‌شناسی اجرای حدود

اسلام پس از تمام مراحل که در تشریح و قانون‌گذاری حدود مطرح فرمود، به هنگام اجرای حدود نیز اصل تربیت و تأدیب اسلامی را بنا نهاده و مجری حدود لازم است. افزون بر این، بر اجرای قوانین شرعی و امور اخلاقی نیز پایبند بوده و متخلق به اخلاق اسلامی در تربیت مجرمان می‌باشد تا بتواند در نهایت، اخلاق و تأدیب اسلامی را در جامعه نهادینه کند. الزام حکومت توسط اسلام، به اجرای حدود هم جنبه الزام فقهی دارد (ثواب و عقاب) و هم الزام اخلاقی (سعادت)، ولی نتیجه آن در مقام عمل یکی است.

## ۲-۱. مقام نظر (هدفداری)

منظور از «مقام نظر»، این است که در بُعد اندیشه، بتوان از اجرای حدود هدف و غایت را سرلوحه قرار داد. حاکم جامعه، باید بداند به چه نیت اجرای حدود کند و افراد جامعه با مشاهده حدود، چه نتیجه‌ای باید بگیرند؟ این دو نکته، از عمده مسائلی است که می‌توان از اجرای حدود به دست آورد.

## ۱-۱-۲. به قصد تطهیر مجرم

هدف حاکم اسلامی و مجری حدود از کیفر مجرمان، باید تربیت او باشد و نباید صرفاً به دلیل اینکه او جرمی انجام داده و برخلاف مسیر مسلمانان حرکت کرده، او را تنبیه کرد. اگر حاکم اسلامی در موردی ناگزیر از اجرای حکم شد، نباید خوشحال از اجرای عقوبت باشد، گرچه در مقام اجرای فرمان حکم خداوند، خرسندی بجاست؛ اما از اینکه جرمی رخ داده که منتهی به اجرای عقوبت شده، آزاردهنده است. امام علی علیه السلام در عهدنامه‌ای به مالک/اشتر، به این خصلت اخلاقی اشاره می‌کنند: «وَلَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ وَلَا تَبْجَحَنَّ بِعُقُوبَةٍ» (نهج البلاغه، ن ۵۳)؛ در بخشش دیگران پشیمان نباش، و از کیفر کردن شادی مکن.

وقتی نیت حاکم و مجری حدود، تطهیر و پاک شدن مجرمان از گناه خود باشد، این امر موجب می‌شود که با دلسوزی و شفقت و به نیت اصلاح مجرم، او را تأدیب نماید. البته این تنبیه هم، برای خروج او از گناهش است. همان گونه که وقتی حضرت علی علیه السلام بر شخصی که چهار مرتبه اقرار به گناه نمود و درخواست طهارت داشت، پس از اجرای حد و مرگ او، حضرت بر ایشان نماز اقامه کردند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۸). به عبارت دیگر، گرچه او مرتکب گناه و عمل زشتی شده است، اما از دایره اسلام خارج نشده و اجرای حد موجب تطهیر او شده و حاکم جامعه نیز پس از مرگ او، بر او نماز می‌خواند.

## ۲-۱-۲. درس‌آموزی برای جامعه

یکی از فوایدی که در اجرای حدود قرار داده شده و جنبه تربیتی دارد، عبرت برای جامعه است. آیه ۲ سوره نور تأکید دارد که باید اجرای حد را طایفه‌ای از مؤمنان مشاهده نمایند: «وَلِيُشْهَدُوا عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ گرچه در تعداد این عده در کتب فقهی مباحثی وجود دارد، اما اجرای علنی حکم، مصالحی دارد که با اجرای مخفیانه آن، به دست نمی‌آید؛ از جمله عبرت برای جامعه، جلوگیری از افراط در اجرای حد و مانند آن (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۱). بنابراین، اهداف متعددی از اجرای حدود در بُعد نظری می‌توان در نظر گرفت که عبرت برای مجرم و جامعه، از مهم‌ترین آثار آن به‌شمار می‌رود تا در پرتوی اجرای حد و مشاهده جامعه، از ارتکاب مجدد جرم و سپس، اجرای کیفر شرعی جلوگیری شود.

## ۲-۲. مقام عمل

اسلام برای اجرای حدود، الزامات اخلاقی‌ای مطرح کرده و به بسیاری از آنها وجهه شرعی و قانونی داده است که لازم است مجریان حدود، در مقام اجرای کیفر به این مسائل اخلاقی پایبند بوده و آنها را رعایت نمایند. در یک نگاه کلان، می‌توان همه آن موارد را در سه محور مطرح نمود:

### ۱-۲-۲. توجه به حقوق مجرم

توجه به حقوقی که اسلام برای مجرمان قرار داده است، یکی از نکات تربیتی برای مجریان حدود و غیر ایشان می‌باشد که باید به آنها توجه شود. به‌طور کلی، می‌توان در سه قسمت این حقوق را برشمرد:

## ۱. اعتدال در نحوه اجرای کیفر

نکته اساسی در اجرای حدود، اعتدال است. توضیح اینکه باید از افراط و تفریط در اجرای کیفر اجتناب نمود و به صرف اینکه جرمی انجام شده، موجب نمی شود هرگونه برخوردی با او شود. گرچه این اعتدال، یک حکم فقهی و لازم الاجراست، اما به معنای عدم اتصاف به صفات مطلوب در اخلاق عملی نیست و نمونه‌ای از وابستگی فقه و اخلاق به شمار می‌رود. به بیان دیگر، این احکام شرعی، جنبه بیداری برای قوه عاقله انسان در سنجش روش‌های اجرای کیفر را دارد. عقل، به ضرورت اعتدال حکم می‌کند، اما حکم شرعی صادر می‌شود تا به این درک عقل مهر تأیید زده باشد. به عنوان نمونه، هنگام شلاق زدن نباید تازیانه خیلی نو باشد که بدن را مجروح کند و یا کهنه باشد که دردی احساس نکند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۸)، زدن نیز باید میانه باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۱۹۸)، کسی که شلاق می‌زند، دست را خیلی بالا نبرد که سفیدی زیر بغلش نمایان شود. از واژه «جلد» در آیه ۲ سوره نور نیز استفاده می‌شود که ضربات نباید از پوست فراتر رود (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۰۹). همچنین، باید ضربات شلاق بر بدن او پراکنده شود. بر سر و فرج او نزنند و لباس او را از بدنش خارج نکنند، مگر اینکه هنگام اجرای گناه عریان بوده باشد و با لباس زخیم نباشد. اگر مجرم زن است، باید زن بر او حد بزند و به گونه‌ای بزنند که زخمی نشده و خون نیاید (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۸). مجری حدود اجازه ندارد یک ضربه را کم یا زیاد کند و نسبت به آن در قیامت بازخواست خواهد شد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۶۰). در مورد حد سارق و قطع دست و پای او نیز ظریفی در اسلام مطرح شده است که باید رعایت شود. از جمله اینکه در مرتبه اول که جرم او ثابت می‌شود، فقط چهار انگشت او و نه تمام دستش قطع بشود. در مرتبه دوم، پای او نیز به میزانی که شریعت مشخص کرده است، نه بیشتر قطع می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۵۱). همه این موارد، شاهد بر اهتمام اسلام بر اعتدال در کیفر و در نهایت، توجه به حقوق مجرم در راستای تربیت او و همچنین مجریان حدود می‌باشد.

## ۲. اعتدال در مقدار جرم

منظور از آن، مطابقت حد با آنچه در شریعت بیان شده است. عقل به اصل ضرورت عقوبت، با شرایط خود و تناسب جرم و کیفر اعتراف دارد، اما چگونه اجرا شدن آن، موضوعی است که به عهده نقل است. از این جهت که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند، از درجه نقل می‌توان به میزان شدت و ضعف اعمال پی برد. به همین دلیل، در حدود باید به اندازه‌ای که تشریح شده اجرا شود و نه بیشتر. به عنوان نمونه، از آنجاکه عمل زانی از قبح بیشتری نسبت به قاذف برخوردار است، باید ضربات شلاق بر روی او محکم‌تر زده شود (همان، ص ۳۰۹) و لباس قاذف کهنه نمی‌شود، بلکه فقط ردائش برداشته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۱۷). تعداد ضربات شلاق بر زانی بیست شلاق بیشتر است، اگر در حین ارتکاب، عریان مشاهده شده‌اند، عریان حد می‌خورند و اگر با لباس دیده شده‌اند، با لباس حد زده می‌شوند. در مورد دزد نیز اگر وارد خانه شود، ولی چیزی را بر ندارد، حد جاری نمی‌شود (همان، ص ۲۳۴). همه این تغییرات در کیفر و تنبیه مجرم، ناظر به تغییرات در ناحیه جرم اوست؛ چرا که با شدت و ضعف جرم، کیفر نیز تغییر می‌کند و این تغییر را باید در پرتوی آموزه‌های اسلام به دست آورد و به همان مقدار کیفر کرد و این حقی است که اسلام برای مجرمان قرار داده است.

## ۳. حفظ کرامت مجرم

خداوند به انسان کرامت داده و شأن و منزلت او را گرامی داشته است و این اصل را در همه مراحل زندگی بشر، مورد توجه قرار داده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰). این اصل در فرایند تربیت، بر تمام عناصر و مراحل آن ناظر است و نمی‌توان عنصری یا مرحله‌ای را تصور کرد که از این اصل بی‌نیاز باشد و نباید عملی انجام داد که با شأن انسان ناسازگار باشد (عابدی، ۱۳۸۲). اجرای حدود نیز به جهت عمل خود مجرم است. البته به هنگام اجرای حد نیز باید کرامت خدادادی مجرم حفظ شود. به همین دلیل، از کندن لباس او نهی شده است. همچنین نباید او را بست و یا اینکه به زمین کشید، پاهایش را نباید بست و دستان او را باید آزاد گذاشت، تا بتواند خود را ننگه دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۸). حتی در مورد دزدی که برای مرتبه سوم دزدی کرده و یک دست و پای او قطع شده، او را به زندان می‌اندازند؛ چرا که حاکم اسلامی از اینکه اعضای بیشتری از او را قطع کند و در نتیجه، نتواند خود را تطهیر کند، از خدای خود حیاء می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۴). این حیاء یک دستور شرعی نیست، اما در فرامین اخلاق عملی، به‌عنوان یک خصلت نیکو برای حاکم به‌شمار رفته و در جهت تخلیه او به این روحیه فرمان می‌دهد. با تنقیح مناط، می‌توان هر چیزی که کرامت انسانی را خدشه‌دار کند (و از دایره حد شرعی خارج باشد) را جزء حقوق مجرم به‌شمار آورد و از هتک آن اجتناب کرد.

## ۲-۲-۲. مدارا و رعایت حال مجرم

این موضوع یکی از مباحثی است که دامنه زیادی از مباحث اسلامی را در روایات و فقه به خود اختصاص داده است که پرداختن به آن به درازا می‌انجامد. همان‌طور که اشاره شد، هدف اسلام از اجرای حدود، تأدیب اسلامی مجرم و جامعه است و متولیان اجرای حدود نیز باید با رعایت امور شرعی و اخلاقی که در اسلام لازم‌شماره شده است، از تربیت اسلامی بهره‌برند. شرایطی هست که اگر برای مجرم وجود داشته باشد، باید حد را به تأخیر انداخت که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

اگر محکوم دارای بیماری بود که اجرای حد، بیم‌گشته شدن او را به دنبال دارد، تا زمان بهبودی او صبر می‌شود. در غیراین صورت، صد عدد ترکه به دست گرفته و یک مرتبه به مجرم زده می‌شود (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۵۱). حضرت علی علیه السلام بر کسانی که مجدر و یا حبسه داشتند، تا زمان سلامت حد جاری نمی‌کردند (همان). حد نباید در سردی یا گرمی شدید هوا انجام شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۱ و ۲۲). همچنین، بر زن حامله حد زده نمی‌شود و تا وضع حملش صبر می‌شود (همان، ۱۰۸؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۳)؛ زیرا کودک داخل شکم، گناهی نکرده تا به خاطر مادرش او آسیب ببیند (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۵۱). بر زن نفساء و مستحاضه تا زمان طهارت حد جاری نمی‌شود (مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۵۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۹). این دستورات، با پشتوانه فقه مصطلح بوده و تخطی از آن، مستوجب کیفر است. همچنین، در اخلاق که سعادت و تکامل هدف‌گذاری شده، به همه آنچه اشاره شد، توصیه می‌کند. همه این نکات اخلاقی، رویکرد تربیتی دین را نشان می‌دهد که شرایط مجرم نیز مد نظر قرار داده و ظرایف انسانی را در تربیت او در نظر می‌گیرد.

## ۳-۲-۲. بخشش و رأفت

تشریح حدود و اجرای آنها، یکی از مظاهر بخشش و رحمت خداوند است؛ چراکه از این طریق، جلوی ارتکاب جرائم را در جامعه گرفته و همچنین، موجب آموزش مجرم می‌شود. از سوی دیگر، در مواردی که مجرم ویژگی‌هایی را دارد، اسلام با رأفت بیشتری برخورد نموده، حد از این دسته مجرمان برداشته می‌شود. توجه به این مطلب، لازم است که اسلام با بیان این امور اخلاقی و بخشش و رأفت با مجرمان موجب شده است که این امور، به نوعی از حقوق مجرمان به‌شمار آید. اگر توصیه اسلام به این مسائل وجود نداشت، ممکن بود از بسیاری از آنها غفلت شود. اکنون به برخی موارد می‌توان اشاره کرد:

اگر مجرم اعم از زانی یا سارق و مانند آن، چند مرتبه مرتکب خطا شود، اما پس از آن در محکمه جرمش ثابت شود، فقط یک مرتبه حد بر او جاری می‌شود؛ نه چند مرتبه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۲۶۳)، مجرمی که پیش از آنکه دستگیر شود، توبه نماید حد از او برداشته می‌شود (همان، ص ۳۷)، اگر شارب‌خمر از روی جهل به حکم خمر، شراب بنوشد و یا آنکه تازه مسلمانی باشد که بی‌اطلاع باشد، حدی اجرا نمی‌شود (همان، ص ۳۳)، اگر مداومت بر این کار نداشته باشد، بلکه خطایی از او سر زده باشد، فقط تعزیر می‌شود (همان، ص ۲۲۵). بیماری که به درمان او امیدی نیست، حد نمی‌خورد، بلکه صد عدد ترکه برداشته و بر او نواخته می‌شود (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۵۱) تا هم حد اجرا شده باشد و هم مجرم در معرض اتلاف قرار نگیرد.

در مورد سارق نیز اگر کودک باشد، فقط تأدیب می‌شود (همان، ص ۲۹۴). به همین دلیل، دزد باید بالغ و عاقل باشد و مضطر به انجام دزدی نباشد. دزدی پسر از پدر نبوده و تحت شکنجه اقرار به دزدی ننماید (همان، ص ۲۶۱). در مواردی که شخصی سارق، اموالش را دستگیر می‌کند و یا قبل از دستگیری، مالش را به او هبه می‌کند و از او می‌گذرد و می‌بخشد، حد برداشته می‌شود (به شرط قبل از حضور در محکمه) (همان، ص ۳۹). بیان همه آنچه در روایات آمده به درازا می‌انجامد. مبدأ این بایدها و نبایدها که لباس حکم شرعی به خود پوشیده است، در الزامات اخلاقی که در سطح بالاتری هستند، باید جست‌وجو نمود. فارغ از حسن و قبح ذاتی این کردارها، جنبه رأفت و ضرورت رعایت عدالت، طبق تعریف اخلاق و تأیید شرع از امور، مورد توجه در این فرامین است. حاکم اسلامی گرچه مجری فقه است، اما به حکم اخلاق باید آراسته به زیبایی‌های اخلاقی باشد تا در اجرای احکام شرعی موفق باشد.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش، به روش‌شناسی اخلاقی تشریح و اجرای حدود در اسلام، به نکات و یافته‌های ذیل دست یافت: اسلام در مسائل مربوط به حدود، مباحث تربیتی و اخلاقی خاص آن را مطرح کرده که هم در بُعد تشریحی و هم جنبه اجرائی باید مورد الگوبرداری باشد. روش‌شناسی تربیت، هنگام اجرای حدود به قوای قانونگذار، الگو ارائه داده و اصل تربیت تدریجی بر پایه پیشگیری و درمان با آگاهی دادن به افراد جامعه را تشریح می‌کند. نتیجه دیگر، اینکه اثبات روح حاکم بر قوانین اسلامی است؛ یعنی تربیت انسان‌ها با روش‌های مختلف که اجرای حد و عقوبت مجرم در مرحله آخر قرار دارد. وقتی نوبت به اجرای حدود رسید، باید مراحل تربیتی و اخلاقی اسلام که ناظر به حاکمان و افراد جامعه است را رعایت نمود.

## منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ق، *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و الأحكام*، ج دوم، قم، مؤسسه آل‌البيت.
- ابن عاشور، محمدین طاهر، بی‌تا، *التحریر و التتویر*، بی‌جا، بی‌نا.
- ابن منظور، محمدین مکرم، بی‌تا، *لسان العرب*، بی‌جا، بی‌نا.
- احمدین فارس، بی‌تا، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی.
- اشعری قمی، احمدین محمدین عیسی، ۱۴۰۸ق، *النوادر (للأشعری)*، قم، مدرسۀ امام مهدی علیه السلام.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۴، *تساختمانامه سوره‌های قرآن*، قم، تمهید.
- جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، *سیره رسول اکرم در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد هشتم)*، ج سوم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، بی‌تا، *الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم للملایین، بیروت.
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البيت.
- حسینی، سیدمحمدابراهیم، ۱۳۸۴، «روش‌های تربیت اسلامی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه»، *مصباح*، ش ۵۷، ص ۴۳-۵۹.
- حسینی، سیدجواد، ۱۳۸۴، «روش تربیت مجرمان و گناهکاران»، *یاسدار اسلام*، ش ۲۸۵، ص ۲۱-۲۲.
- حسینی‌همدانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۴ق، *انوار درخشان در یرتوی قرآن*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حلی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، ۱۴۰۳ق، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلی، محقق، نجم‌الدین جعفرین حسن، ۱۴۰۸ق، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان، دارالعلم.
- رحیمی، رمضان علی، ۱۳۸۵، «تربیت در اسلام»، *تسمیم یاس*، ش ۴۸، ص ۲۰-۳۴.
- زرسان، عاطفه، ۱۳۸۵، «روش تربیت انسان در سیره نبوی از نگاه قرآن»، *پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ش ۴، ص ۵۸-۷۰.
- صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، *کافی الکفاه*، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم‌الکتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، محمدرضا، ۱۳۷۹، *صرف ساده*، چ چهل و نهم، قم، دارالعلم.
- طوسی، محمدین حسن، ۱۳۸۷ق، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، چ سوم، تهران، المکتبه‌الترتویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
- طوسی، محمدین حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب‌الأحكام*، چ چهارم، تهران، دارالکتب‌الإسلامیة.
- عابدی، لطفعلی، ۱۳۸۲، «اصول تربیت در اسلام»، *مصباح*، ش ۳۶، ص ۲۹-۴۷.
- عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه‌المعارف‌الإسلامیة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، قم، هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر قمی*، چ سوم، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمدین یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب‌الإسلامیة.
- گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، *فلسفه تعلیم و تربیت*، چ هفتم، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- لنکرانی، محمدفاضل موحدی، ۱۴۲۲ق، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- مشهدی قمی، محمدین محمدرضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصباح‌الهدی، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، «روش‌های تربیت در داستان حضرت موسی علیه السلام در قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۵۹-۶۰، ص ۶۶-۸۰.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، *مجموعه آثار*، ج یازدهم، قم، صدرا.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نادری، بدری، ۱۳۸۳، «نظام‌های تربیتی در مدرسه وحی»، *صحیفه مبین*، ش ۳۵، ص ۴۰-۶۳.
- نساجی زواره، اسماعیل، ۱۳۸۵، «آموزه‌های تربیتی در کلام وحی»، *نشریه آموزش رشد قرآن*، ش ۱۳، ص ۳۴-۴۹.
- همت‌بناری، علی، ۱۳۸۵، «در تکاپوی ارائه مفهومی نو در تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات»، *تربیت اسلامی*، سال دوم، ش ۳، ص ۴۴-۶۰.
- یزدی، محمد، ۱۴۱۵ق، *فقه‌القرآن*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.